



بیست گونه از

پستانداران ایران

مؤلف: ناصر ایرانی نقاش: حسین مشیر

۵۳۰۹ - ۲۰ م

بیست گونه از

پستانداران ایران

مؤلف: ناصر ایرانی نقاش: حسین مشیر

نام کتاب: بیست گونه از پستانداران ایران
مؤلف: ناصر ایرانی
نقاش: حسین مشیر
چاپ سوم: ۱۳۷۲
تعداد: ۱۰۰۰۰ نسخه
چاپ و نشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

تهران - خیابان فردوسی، روبه روی فروشگاه شهر و روستا.
مرکز پخش تهران: ۶۴۵۰۳۰۷، مرکز پخش شهرستانها: ۳۱۱۲۱۰۰

پیشگفتار

ایران سرزمین پهناور و زیبایی است که ویژگیهای جغرافیایی متنوع و آب و هوای مختلفی دارد. سرشار است از منابع طبیعی، و از لحاظ زندگی حیوانی و گیاهی بسیار غنی. در کشور ما نزدیک به ۱۵۰ گونه پستاندار زندگی می کند، کمی کمتر از ۵۰۰ گونه پرنده، و صدها گونه ماهی.

به جرئت می توان گفت کمتر کسی از ایرانیان است که سراسر این سرزمین عزیز را از سر شوق بیموده باشد و چشم اندازهای طبیعی گونه گون آن را با حوصله و دقت و بصیرت تماشا کرده باشد تا توانسته باشد کشف کند که، در مثل، در همین کویری که از دور و در نگاه نخست خشک و مرده می نماید چه زندگی حیرت انگیزی در جریان است؛ و به تحقیق در میان آن ایرانیان اندک شماری که پای چنین سفر و ذوق چنین تماشایی را داشته اند هیچ کسی نیست که تصویری جامع از طبیعت زنده ایران به دست داده باشد. پس می توان گفت که ایران از لحاظ طبیعی سرزمینی است هنوز کشف نشده و ناشناخته.

در مجموعه حاضر از میان نزدیک به ۱۵۰ گونه پستاندار ایران ۲۰ گونه را انتخاب و معرفی کرده ایم. به عبارت دیگر، مثنی از خرمن پستانداران ایران را عرضه داشته ایم. منتهی سعی ما بر آن بوده است که این مشت از يك سو دربرگیرنده مهمترین و باارزش ترین و زیباترین پستانداران ایران باشد و از سوی دیگر نمایشگر تنوع آنها.

شکل عرضه مجموعه نیز به گونه ای است که هم بزرگسالان را پسند آید و هم خردسالان را معرفت افزایش دهد. توصیه می کنیم بزرگسالان فرزندان خود را تشویق نمایند که طرح سیاه قلم هر پستاندار را با توجه به تصویر رنگی آن پستاندار رنگ آمیزی کنند تا ضمن آنکه ذوق هنری خود را می آزمایند با ویژگیهای کالبدشناختی پستانداران این مجموعه چنان آشنا گردند که در خاطرشان باقی بماند.

در پی مجموعه حاضر، مجموعه دیگری نیز شامل ۳۰ گونه از پرندگان ایران انتشار خواهیم داد. اگر این دو مجموعه مفید واقع شوند، و عمر نیز باقی باشد، مجموعه های دیگری نیز شامل برخی از مهمترین و باارزش ترین و زیباترین خزندگان و ماهیان ایران تدوین و منتشر خواهیم کرد.



پلنگ

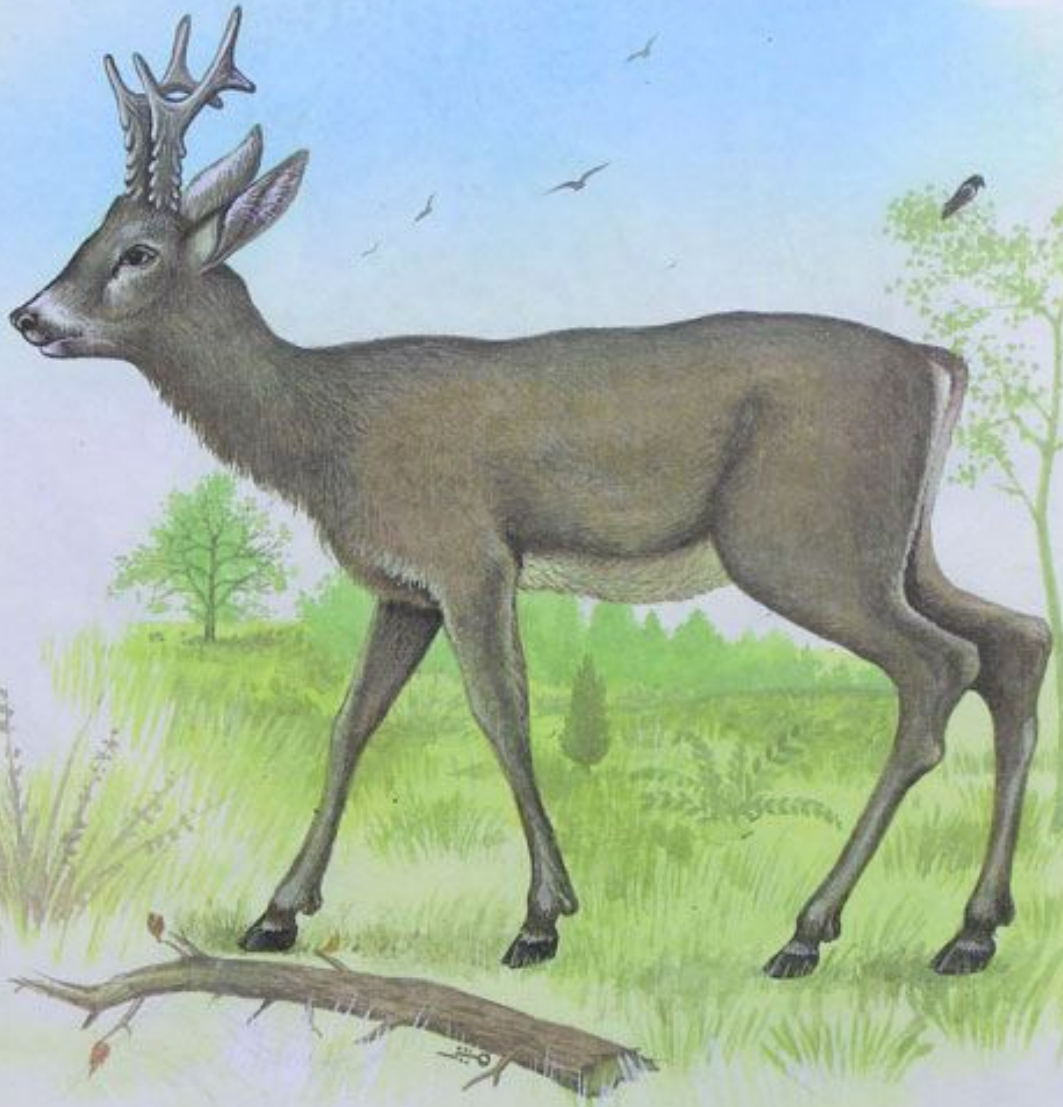
پلنگ (*Panthera pardus*) گربه‌سانی بزرگ و نیرومند و خالدار است که در کوهستانهای سنگی و مناطق جنگلی آسیا و افریقا زندگی می‌کند. در ایران، جز در دشتها و مزارع، در هر کوهستان سنگی و جنگل باران خیز و منطقه نیمه‌صحرائی که طعمه و آب و پناهگاه موجود باشد یافت می‌شود. طعمه پلنگ گراز است و کل و بز و قوچ و میش و مار و پرندگان و موش و شغال و میمون و حتی ماهی.

پلنگ ایرانی بزرگ اندامتر از بسیاری دیگر از گونه‌های پلنگ است و وزن آن تا ۹۰ کیلوگرم می‌رسد. پلنگ برخلاف سایر گربه‌سانان بزرگ کوهنورد ماهری است. شبر و است و جز در فصل زاد و ولد تنها زندگی می‌کند.



ماده در تمام طول سال می تواند تولیدمثل کند. دوران بارداری او از ۹۸ تا ۱۰۵ روز طول می کشد و در هر بار بین ۱ تا ۳ بچه می زاید. مادر بچه هایش را حدود ۲ ماه پنهان می کند تا از شر دشمنان در امان باشند. پس از این مدت، بچه ها قادرند دنبال مادر راه بیفتند و هر جا که او می رود همراهیش کنند.

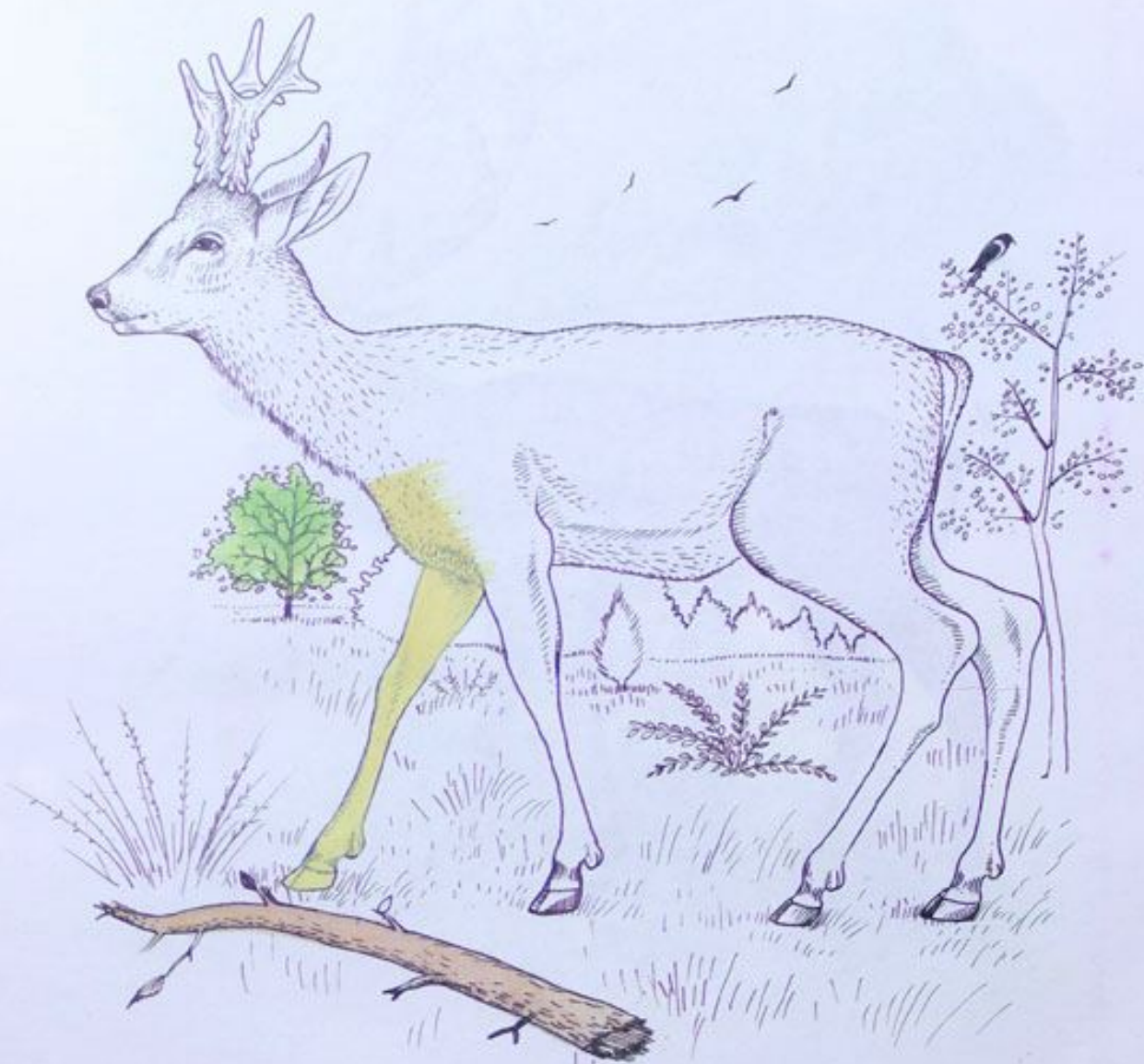
بچه ها يك ساله که شدند از مادر جدا می شوند ولی تا دوسالگی به دیدار او می روند و گاه با او به شکار می پردازند. پس از این مدت، مادر فرزندان دیگری به دنیا می آورد. پلنگ بین ۲۰ تا ۲۵ سال عمر می کند.



شوکا

شوکا (*Capreolus capreolus*) گوزن کوچک اندامی است که در جنگلهای آسیا و اروپا زندگی می‌کند. در ایران در جنگلهای شمال ایران، به‌ویژه در جنگلهای مازندران، و نیز به تعداد اندک در جنگلهای شمال آذربایجان و کردستان یافت می‌شود. غذای شوکا شاخ و برگ بوته‌ها و گیاهان دیگر است.

شوکا کوچکترین گوزن ایرانی است. وزن او بین ۱۵ تا ۵۰ کیلوگرم است و قد آن در ناحیه‌ی شانه حداکثر به ۷۶ سانتیمتر می‌رسد. پوست شوکا در تابستان قرمز آمیخته به قهوه‌ای و در زمستان خاکستری آمیخته به قهوه‌ای است. شوکا کمرو و گوشه‌گیر است.



به ندرت به فضاهای بی درخت پا می گذارد، و معمولاً تنها زندگی می کند. شوکای ماده شاخ ندارد. شوکای نر دو شاخ کوچک دارد، معمولاً با ۶ و گاه ۸ شاخك، که درازای آن به ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر می رسد. شاخهای شوکا در اواخر پائیز یا اوایل زمستان می افتد و بلافاصله شروع به رویدن می کند و رشد آن تا بهار کامل می شود. تولید مثل در اواخر تابستان صورت می گیرد، و ماده معمولاً دو بچه در بهار می زاید. بچهها پوستی قرمز رنگ دارند، خالهایی در پهلوها، و کفلشان سفید رنگ است.



مرال

مرال (*Cervus elaphus*) گوزنی است درشت اندام که در جنگلهای شمال شرقی آسیا و اروپا و شمال آفریقا زندگی می‌کند. مرال گیاهخوار است. رنگ و اندازه هر نژادی از مرال با رنگ و اندازه نژادهای دیگر متفاوت است. نژاد اروپایی مرال در تابستان قهوه‌ای آمیخته به قرمز و در زمستان خاکستری آمیخته به قهوه‌ای است. نر نژاد اروپایی در ناحیه شانه ۱۴۰ سانتیمتر قد دارد و وزن آن به ۱۸۰ کیلوگرم می‌رسد. وزن نر نژاد ایرانی گاه بالغ بر ۲۵۰ کیلوگرم می‌شود. مرال حیوانی اجتماعی است و گله‌های بزرگ تشکیل می‌دهد. گله ماده‌ها و بچه‌ها، جز در فصل تولیدمثل جدا از گله نرها زندگی می‌کند. مرالها در تابستان به کوهستان، بالاتر از حدود جنگلها، می‌روند و در علفزارهای کوهستانی به چرا می‌پردازند.



شاخهای نر سالی يك بار، در اواخر زمستان، می افتد و بلافاصله شروع به رویدن می کند و رشد آن تا اواخر تابستان کامل می شود. نر يك ساله فقط دو شاخ ساده دارد. در سالهای بعد شاخکهای اضافی می روید ولی تعداد شاخکها با شمار سالهای عمر گوزن برابر نیست. رشد شاخها بین ۸ تا ۱۰ سالگی به اوج می رسد و سپس در سالهای بعد به تدریج اندازه آن کم و کمتر می شود. به همین دلیل پیران، مثل بچه ها، شاخهای کوچک ساده ای دارند.

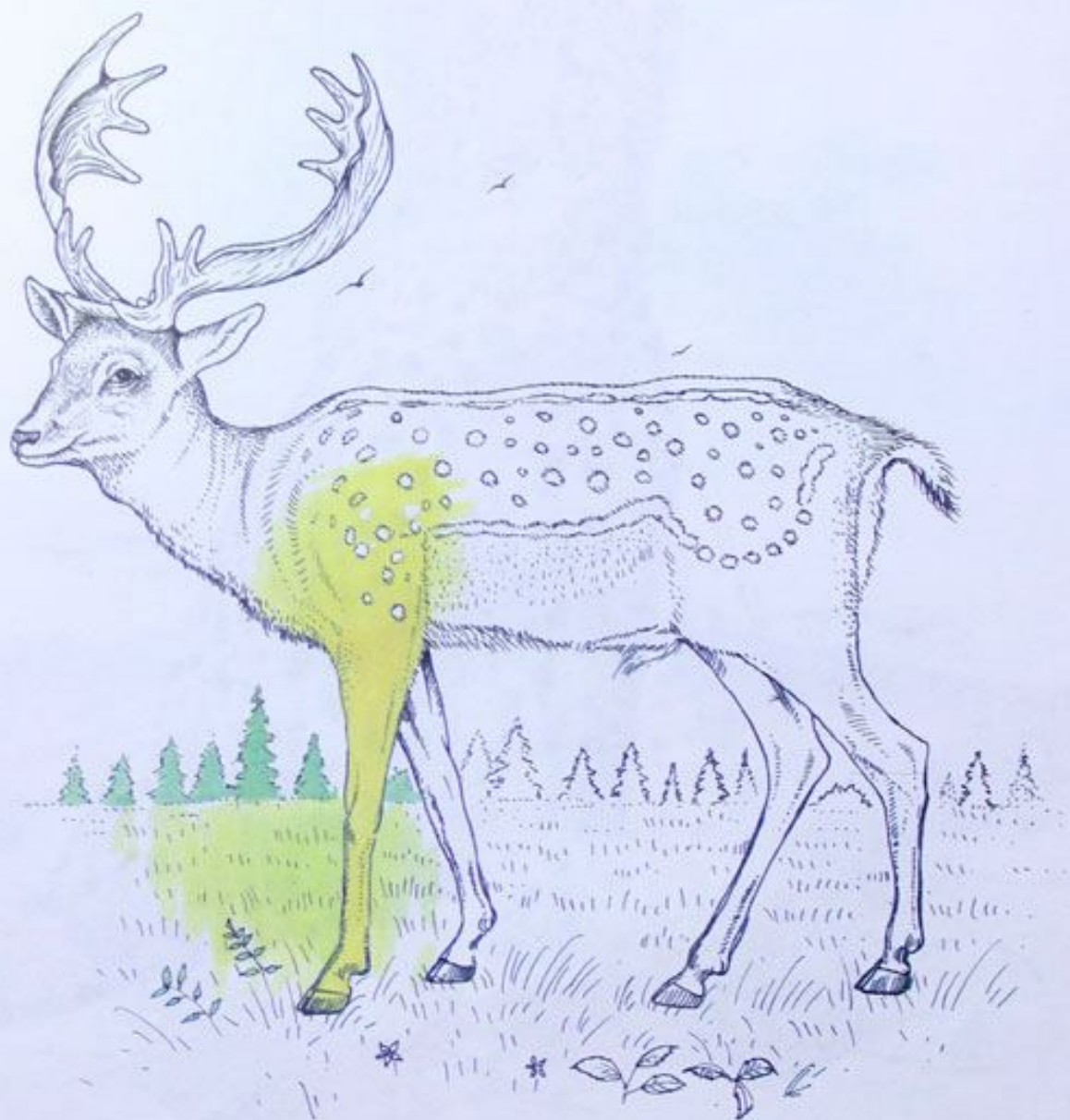
ماده مرال کوچکتر از نر است و شاخ ندارد. ماده در ۲ سالگی به سن بلوغ می رسد و در بهار هر سال يك بچه می زاید.



گوزن زرد

گوزن زرد ایرانی (*Dama mesopotamica*) یکی از کمیاب‌ترین گوزنهای جهان است. گوزن زرد روزگاری در جنگلهای جنوب غربی ایران تا جنگلهای جنوب شرقی مدیترانه زندگی می‌کرد.

شمار این گوزن در قرنهای گذشته بسیار زیاد بود ولی به تدریج از جمعیت آن کاسته شد تا جایی که گمان می‌رفت نسل گوزن زرد ایرانی به کلی منقرض شده است. خوشبختانه در سال ۱۳۳۴ گوزن زرد مجدداً در دو منطقه باریک جنگلی در طول رودخانه‌های دز و کرخه در خوزستان یافت شد و آن دو منطقه در سال ۱۳۳۹ منطقه حفاظت شده اعلام گردید تا باقیمانندگان نسل گوزن زرد تحت حفاظت قرار گیرند. تعدادی از گوزنهای زرد هم به پارک وحش دشت ناز در مازندران برده شدند تا در این مکان کاملاً امن به تولیدمثل بپردازند. تدبیرهای مزبور تا حدی موثر واقع شده است و اکنون چنین می‌نماید که این گوزن کمیاب



ارزشمند در کشور ما به حیات خود ادامه خواهد داد.

گوزن زرد ایرانی شبیه گوزن زرد اروپایی است، ولی فقط کمی از آن درشت اندامتر است. قد گوزن زرد در ناحیه شانه به ۹۰ سانتیمتر می‌رسد و وزن آن حدود ۷۰ کیلوگرم است. گوزن زرد علفخوار است و گیاهان مختلفی را می‌خورد اما به نظر می‌رسد که شاخ و برگ بوته‌ها را ترجیح می‌دهد.

فقط نر شاخ دارد. شاخهای نر در زمستان می‌افتد و بلافاصله شروع به رویدن می‌کند و رشد آن تا تابستان سال بعد کامل می‌شود.

فصل تولیدمثل تقریباً از اوایل شهریور آغاز می‌شود. ماده در دو سالگی به مرحله بلوغ می‌رسد و در بهار هر سال یک بچه به دنیا می‌آورد. نرها و ماده‌ها در بیشتر ایام سال جدا از هم زندگی می‌کنند. نرها فقط در فصل تولیدمثل به ماده‌ها می‌پیوندند.

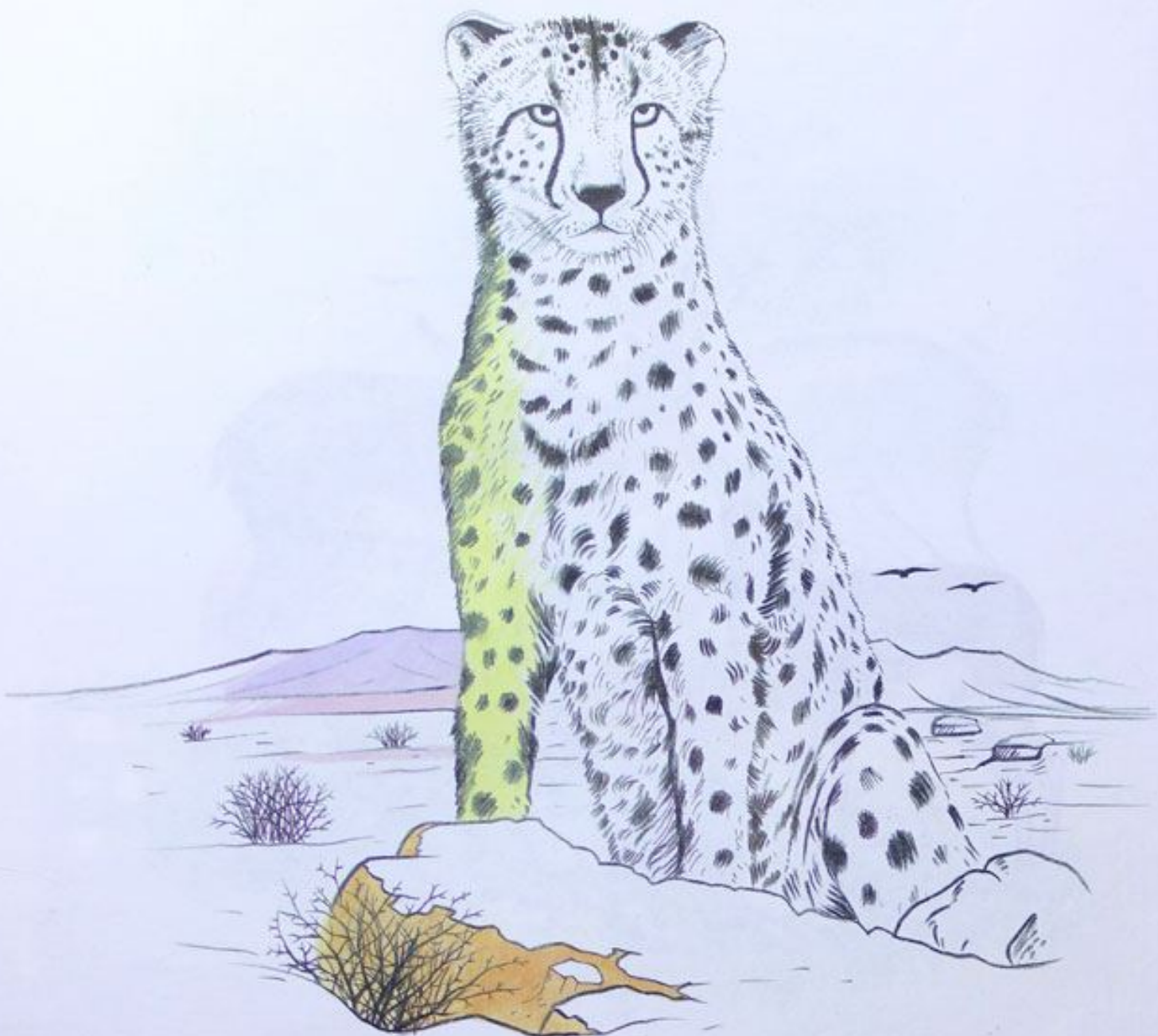


یوزپلنگ

یوزپلنگ (*Acinonyx jubatus*) تا اواخر قرن نوزدهم میلادی از هندوستان تا آسیای صغیر و نیز در شبه جزیره عربستان و افریقا زندگی می‌کرد. اکنون به دلیل از بین رفتن مراتع و در نتیجه کم شدن طعمه، یوزپلنگ جز در شرق و مرکز و جنوب افریقا در تمام مناطقی که ذکر شد نابود شده یا در شرف نابودی است.

در ایران تا چند دهه پیش به دلیل فوق، و همچنین در اثر کشتار بیرحمانه‌ای که از این حیوان بسیار زیبا صورت می‌گرفت، یوزپلنگ در معرض خطر نابودی بود. اما پس از آنکه چندین منطقه حفاظت شده در زیستگاههای یوزپلنگ ایجاد گردید و جمعیت آهو و قوچ و میش، که طعمه اصلی این حیوانند، افزایش یافت بر تعداد یوزپلنگ افزوده شد، به ویژه در منطقه حفاظت شده خوش بیلاق در شمال شرقی ایران.

یوزپلنگ حیوانی است نازک اندام که پاها و دم درازی دارد. وزن او بین ۵۰ تا ۶۵ کیلوگرم است و قد آن در ناحیه شانه به یک متر می‌رسد. درازای یوزپلنگ حدود ۲۲۵



سانتیمتر است که ۷۵ سانتیمتر آن را دم تشکیل می‌دهد. برخلاف گربه‌سانان دیگر، پنجه‌های او را غلافی از پوست حفاظت نمی‌کند و از این رو نمی‌تواند آنها را کاملاً تو بکشد. دو نوار سیاه‌رنگ از گوشه داخلی دو چشمش تا دو گوشه دهانش کشیده شده. رنگ پوست یوزپلنگ سفید آمیخته به زرد است و بدن او را خالهای کوچک قهوه‌ای تیره یا سیاه پوشانده است. دم دارای حلقه‌های سیاه‌رنگ است و در انتها تا حدی پشمالو است. یوزپلنگ سریع‌ترین پستاندار و حتی سریع‌ترین حیوان چهارپای جهان است. سرعت او گاه به ۱۱۰ کیلومتر در ساعت می‌رسد. یوزپلنگ دو به دو یا در گروه‌های خانوادگی کوچک زندگی می‌کند. این حیوان حتی اگر در بزرگسالی دستگیر شود به آسانی رام می‌گردد. از این رو یوزپلنگان را در گذشته تعلیم می‌دادند، به‌ویژه در هندوستان، تا به عنوان «پلنگ شکاری» برای صاحبان خود شکار کنند.

دوران بارداری ماده بین ۸۴ تا ۹۵ روز است و او در هر بار بین ۲ تا ۳ بچه می‌زاید.



آهو

آهو (*Gazella subgutturosa*) در دشتهای هموار و ناهموار آسیا و افریقا زندگی می‌کند. در ایران در پیرامون کویر مرکزی، در منطقه وسیعی که از خوزستان در جنوب غربی ایران آغاز می‌گردد و به سوی شمال تا زنجان و به سوی شرق تا خراسان پیش می‌رود و از آنجا به سوی جنوب تا سیستان پایین می‌آید، یافت می‌شود. آهو طعمه اصلی بوزبلنگ است. گرگ و کفتار هم گاهی او را شکار می‌کنند و می‌خورند، و شغال نیز نوزادانش را، اما خود آهو علفخوار است و می‌تواند مدتها بدون نوشیدن آب زنده بماند. در این مدت، او آب مورد نیاز بدنش را از شبیم و آب موجود در گیاهان سبز به‌دست می‌آورد.

آهو ظریف اندام است و پاهای کشیده‌ای دارد و در میان پستانداران از قهرمانان دو



سرعت است. قد نر در ناحیه شانه به ۷۵ سانتیمتر می‌رسد و وزن او حدود ۵۰ کیلوگرم است. ماده بسیار کوچکتر از نر است.

شاخ نر بیچش زیبایی دارد و درازای آن گاه به بیش از ۴۰ سانتیمتر می‌رسد. ماده شاخ ناقصی دارد که در زیر پوست پنهان است.

آهو در اواخر پائیز و اوایل زمستان به تولیدمثل می‌پردازد. در فصل تولیدمثل گله‌های بزرگ تشکیل می‌شود و نرها بسیار فعال می‌گردند و به یاری ماده‌ها از قلمرو خود دفاع می‌کنند. در این هنگام نرهای جوان در گله‌هایی جمع می‌شوند که منحصرأ از جوانان بی‌همسر تشکیل شده است.



گوسفند وحشی

در ایران چند گونه گوسفند وحشی زندگی می کنند. گونه ای که تصویر آن را می بینید گوسفند وحشی اورپال (*Ovis ammon arkal*) نام دارد که در کوهها و تپه های شمال شرقی ایران یافت می شود.

گوسفند وحشی اورپال بزرگترین و زیباترین گوسفند وحشی ایران است. نر، که قوج خوانده می شود، شاخهای بلندی دارد که به شکل زیبایی به سوی جلو پیچ خورده است و درازای آن گاه به بیش از ۱۱۰ سانتیمتر می رسد. جلوی گردن و سینه اش را دسته ای موی سپید فراگرفته که به او جلوه ای باشکوه بخشیده است. قد نر در ناحیه شانیه به یک متر می رسد و وزن او حدود ۸۵ کیلوگرم است. ماده، که میش خوانده می شود، کوچکتر از نر



است و شاخهای کوتاهی دارد و فاقد آن دسته موی سپید در جلوی گردن و سینه است که قوج را آن همه زیبا ساخته.

ماده‌ها و نرها در بیشتر طول سال جدا از هم زندگی می‌کنند. تولیدمثل در پائیز صورت می‌گیرد. در فصل تولیدمثل هر نری برای خود قلمروی برمی‌گزیند و با نرهای دیگر به جنگ می‌پردازد. ماده در دوسالگی به سن بلوغ می‌رسد و در بهار بین يك تا سه بچه می‌زاید. آن گاه نرها گله‌های بزرگ تشکیل می‌دهند و تا فصل تولیدمثل بعدی با هم زندگی می‌کنند.



بز وحشی ایرانی

بز وحشی از کوهستانهای سنگی آسیای مرکزی تا کوهستانهای سنگی جنوب اروپا و شمال آفریقا زندگی می‌کند. بز وحشی ایرانی (*Capra aegagrus*) در هر جای ایران که کوه سنگی وجود دارد، از قله تا دامنه کوه و از جنگل تا دشت، یافت می‌شود. بز وحشی علفخوار پراشتهایی است. او حتی از درخت بالا می‌رود و سرشاخه‌های آن را می‌خورد. بز وحشی حیوانی تنومند و پاکوتاه است. نر، که کل خوانده می‌شود، در ناحیه شانه حدود ۹۰ سانتیمتر بلندی دارد و وزن او حداکثر به ۹۰ کیلوگرم می‌رسد. کل بزرگسال ریش سیاهی دارد و نوار سیاه‌رنگی روی شانه. او شاخه‌های بلندی دارد که طول آنها گاه به بیش از ۱۴۰ سانتیمتر می‌رسد. در هر سال در طول فصل تولیدمثل رشد شاخها متوقف می‌گردد



و در این مدت يك حلقه روی هر شاخ ایجاد می شود. از تعداد حلقه های هر شاخ می توان سن کل را معلوم کرد. ماده، که بز خوانده می شود، شاخ کوتاهی دارد و پوست قهوه ای رنگی. بز وحشی در صخره ها زندگی می کند ولی آب و غذایش را در تپه ها و دشتهای هم می جوید. او به مهاجرت سالانه نیز مبادرت می ورزد؛ وقتی زمستان نزدیک می شود به مناطق بی برف مهاجرت می کند.

بز وحشی در فصل پائیز به تولیدمثل می پردازد. در طول فصل تولیدمثل نرهای رقیب در صخره ها با هم می جنگند. دوران بارداری ماده ۵ تا ۶ ماه طول می کشد و او در اواخر زمستان - در جنوب ایران - یا در اوایل بهار - در شمال ایران - يك یا دو بچه می زاید.



خرس قهوه‌ای

خرس قهوه‌ای (*Ursus arctos*) در اروپا و مناطق غیرحاره‌ای آسیا و نیز در امریکای شمالی و مکزیک زندگی می‌کند. در ایران در تمام مناطق جنگلی شمال و غرب کشور یافت می‌شود. خرس قهوه‌ای حیوانی جنگلی است ولی در بهار ممکن است به کوهستانهای بی‌درخت و دشتها هم بیاید. او همه‌چیزخوار است، یعنی هم گیاهخوار است و هم گوشتخوار.

تاکنون بیش از ۲۰۰ نژاد مختلف از خرس قهوه‌ای شناخته شده که رنگ بسیاری از آنها با هم فرق دارد: از زرد روشن گرفته تا قهوه‌ای تیره؛ و نیز اندازه‌های آنها. خرس قهوه‌ای کودیاک (*Kodiak*) بزرگترین گوشتخوار زمینی زنده است که درازای آن به ۳ متر و وزن آن به ۷۵۰ کیلوگرم می‌رسد. حال آنکه وزن خرس قهوه‌ای سوریه‌ای بیش از ۷۵ کیلوگرم نیست.

خرس قهوه‌ای ایران درشت‌اندام است و بیش از ۲۵۰ کیلوگرم وزن دارد. خرس قهوه‌ای در زمستان به خواب می‌رود. او البته در طول خواب زمستانی تا حدی



فعال است. به عنوان مثال، ماده در طول خواب زمستانی است که بین یک تا چهار بچه، و معمولاً دو بچه، می‌زاید. بچه‌ها به هنگام تولد بسیار کوچکند و فقط حدود ۵۰۰ گرم وزن دارند ولی تا بهار، که مادر از خواب زمستانی بیدار می‌شود، آن قدر رشد کرده‌اند که بتوانند دنبال مادر راه بیفتند و هر جا که او می‌رود همراهش کنند. بچه‌ها تیره‌رنگتر از بزرگسالان هستند و رنگ پوستشان معمولاً قهوه‌ای شکلاتی است.

خرس قهوه‌ای هیکل بزرگی دارد و قیافه‌اش شاید وحشت‌انگیزی. ولی باید دانست که این حیوان رام و کمرو است و از جانب او کمتر خطری متوجه انسان است. فقط هنگامی که خرس ماده و بچه‌هایش با انسان روبه‌رو می‌شوند، مادر اگر حس کند که بچه‌هایش در خطرند بدون تردید به انسان حمله می‌کند. از این رو، عاقلانه‌تر آن است که به خرس ماده و بچه‌هایش نزدیک نشوید.

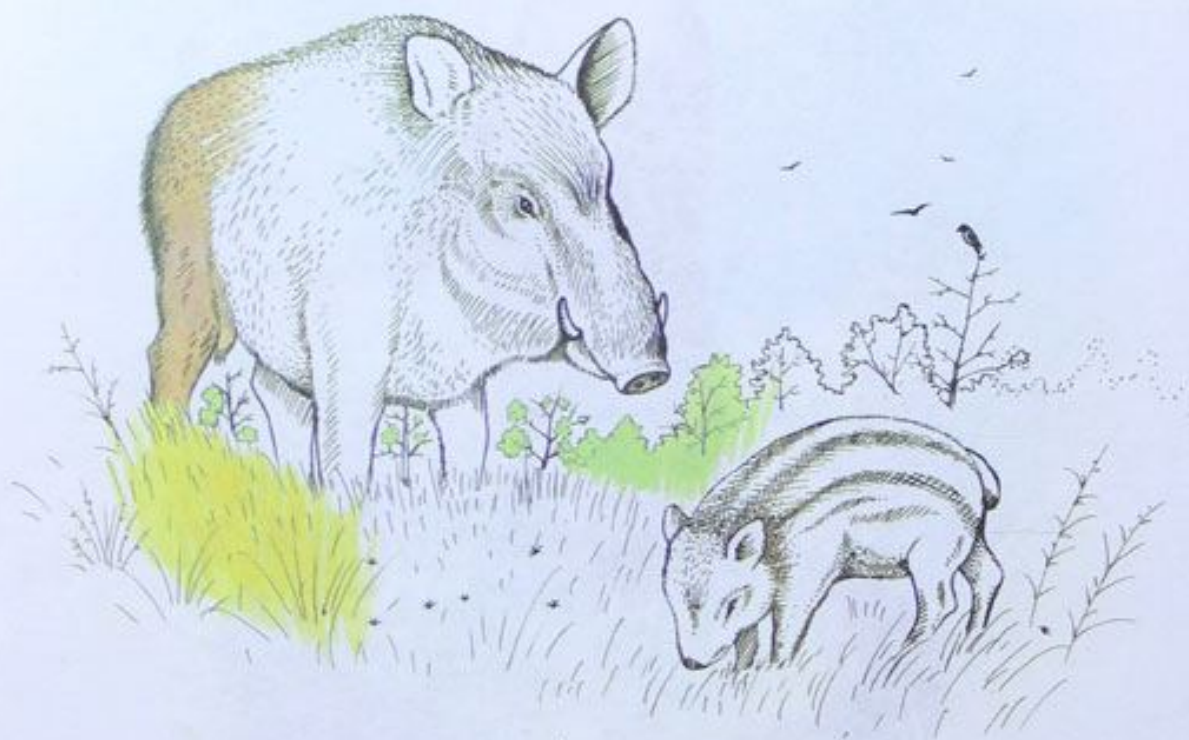


گراز

گراز (*Sus scrofa*) در سراسر آسیا و اروپا و آمریکای شمالی، هر جا که همواره آب موجود باشد، زندگی می‌کند. در ایران در جنگلهای شمال، در جنگلهای سلسله جبال زاگرس، و نیز در بوته‌زارهای جنوب شرقی و در تالابهای سراسر کشور یافت می‌شود.

گراز تنومند است. قد او در ناحیه‌ی شانه یک متر است و درازای او گاه به ۱۸۰ سانتیمتر می‌رسد که ۳۰ سانتیمتر آن را دم تشکیل می‌دهد. نر بزرگتر از ماده است. نر حدود ۲۰۰ کیلوگرم وزن دارد ولی ماده به ندرت بیش از ۱۳۰ کیلوگرم وزن پیدا می‌کند. گراز گاهی به صورت گروهی زندگی می‌کند اما غالباً، جز در فصل تولیدمثل و به هنگام پرورش فرزندان، تنها به سر می‌برد. گراز شبرو است و روزها بیشتر به استراحت می‌پردازد.

فصل تولیدمثل از اوایل زمستان آغاز می‌شود و بچه‌ها در فروردین به دنیا می‌آیند. ماده در هر بار به طور متوسط ۶ بچه می‌زاید. بچه‌ها در بدو تولد قرمزرنگند و نوارهای افقی



زردرنگی بدنشان را پوشانده است. این نوارها پس از سه ماه از بین می‌روند. فواید گراز بسیار است: به خاطر نرخ بالایی زاد و ولد غذای لازم برای گوشتخواران بزرگ، به‌ویژه پلنگ، را به فراوانی فراهم می‌آورند؛ درختان قطعه‌های کوچکی از جنگل را از بین می‌برند و باعث می‌شوند که نهالهای تازه در آن قطعه‌ها بروید. این نهالها غذای برخی از حیوانات وحشی است؛ در زمستان زمین را می‌کنند تا به ریشه گیاهان دست یابند. ضمن این کار، برف را کنار می‌زنند و غذای قرقاول و گوزن را از زیر برف بیرون می‌آورند و در دسترس آن حیوانات قرار می‌دهند؛ از جنگل هم محافظت می‌کنند. بدین ترتیب که زمین را در جستجوی ریشه گیاهان شخم می‌زنند و مواد گیاهی را با خاک مخلوط می‌کنند و زمین را غنی و بارور می‌سازند. لارو حشرات زیانبخش را نیز از زیر خاک بیرون می‌آورند و در معرض هوای سرد قرار می‌دهند و باعث نابودی آنها می‌شوند.



سمور

سمور درختی (*Martes martes*) در جنگلهای آسیا و اروپا زندگی می‌کند. در ایران سمور درختی کمیاب است ولی گونه دیگری از سمور، یعنی سمور سنگی (*Martes foina*)، به فراوانی یافت می‌شود. سمور سنگی در مناطق کوهستانی، چه جنگلی و چه غیرجنگلی به شرط آنکه صخره‌ای باشند، زندگی می‌کند ولی زیستگاه سمور درختی جنگل است. سمورها را به خاطر خزگرانیهایشان شکار می‌کنند و این یکی از عواملی است که بقای نسل



آنها را تهدید می کند. خز قهوه ای رنگ سمور درختی گرانباتر از خز کمرنگ تر سمور سنگی است.

سمور درختی، که تصویر آن را می بینید، بلند قامت و پا کوتاه است. پاهایش پشمالوتر از پاهای سمور سنگی است. خز بسیار خوش رنگش در تمام بدن قهوه ای است جز در زیر گلو و روی سینه که سفید آمیخته به زرد است. غذای سمور درختی پستانداران کوچک است.



گره وحشی پالاس

گره وحشی پالاس (*Felis manul*) در اقلیم‌های سرد آسیای مرکزی، از دریای خزر گرفته تا غرب چین، زندگی می‌کند ولی در بسیاری از این نقاط کمیاب است. در ایران در مناطق سرد شمال شرقی و شرق کشور یافت می‌شود. غذای گره وحشی پالاس موش و خرگوش و سایر حیوانات کوچک است. به دلیل شباهت بسیار زیادی که گره وحشی پالاس به گره ایرانی دارد گفته شده است که گره پالاس جد گره ایرانی بوده است ولی این گفته احتمالاً صحیح نیست.



گره وحشی پالاس بشمالو و پاكوتاه است. بدن او زرد رنگ است و موهای دراز
نقره رنگی روی آن را فرا گرفته. شکم و بالای سر او خالدار است و نوارهای تیره رنگی در
سراسر تهیگاه و پشت او دیده می شود. سر گره به پنخ است و گوشهایش گرد و کوچک. دم
کلفت او حلقه های باریک تیره رنگی دارد.



موش صحرائی

موش صحرائی (*Apodemus sylvaticus*) در آسیا و اروپا و امریکای شمالی زندگی می‌کند. در ایران در کوههای البرز و زاگرس و نیز در مناطق جنگلی و صخره‌ای یافت می‌شود. موشهای صحرائی رنگهای مختلفی دارند: از قهوه‌ای تیره در جنگلهای دریای خزر گرفته تا خاکستری روشن در مناطق خشک‌تر ایران. درازای موش صحرائی به حدود ۱۹ سانتیمتر می‌رسد. این درازا شامل دم نیز هست که طول آن بیشتر از مجموع طول سر و تنه اوست.

زاد و ولد موش صحرائی حکایت غریبی دارد: اولین زایمان ماده هنگامی صورت



می گیرد که سن او بیش از پنج هفته نیست و از آن پس، او هر سه هفته يك بار بچه می زاید. حساب شده است که در شرایط مناسب يك جفت موش در صورتی که تمام فرزندانشان زنده بمانند و هنگامی که به سن بلوغ رسیدند به تولیدمثل بپردازند و فرزندان فرزندان آنها نیز زنده بمانند و تولیدمثل کنند، در پایان يك سال صاحب بیش از يك میلیون فرزند خواهند شد. ولی محدود بودن جا و غذا و بسیار بودن دشمنان موش صحرایی اجازه نمی دهد که جمعیت این حیوان بیش از حد رشد کند.



گرگ

گرگ (*Canis lupus*) در آسیا و اروپا و امریکای شمالی و آلاسکا زندگی می‌کند. در ایران در سراسر کشور، از مناطق جنگلی شمال گرفته تا سواحل خلیج فارس و از کوههای بلند تا صحراها، یافت می‌شود. گرگ گوشتخوار است و پرندگان بزرگ، خرگوش، گوزن، و بسیاری دیگر از حیوانات را شکار می‌کند و می‌خورد. دیده شده است که در کنار نهرها به شکار قورباغه هم مشغول است. گرگ مثل بیشتر گوشتخواران می‌تواند چندین روز بدون خوردن غذا سر کند. ولی هنگامی که، پس از چند روز گرسنگی، به غذا دست یابد یکجا به اندازه یک پنجم وزن بدن خود می‌خورد.

گرگهای ایران اندازه‌ها و رنگهای مختلفی دارند. گرگهای شمال بزرگتر از گرگهای جنوبند. وزن نرهای بزرگ شمالی ممکن است به بیش از ۷۰ کیلوگرم برسد. درازای بزرگسالان معمولاً حدود ۱۷۰ سانتیمتر است که یک سوم این طول را دم تشکیل می‌دهد. گرگ ایرانی پاهای روشن و نوار تیره‌رنگی در پشت دارد.



گرگها بسیار اجتماعی و فوق العاده باهوشند. معمولاً در گروههای ۲ تا ۹ تایی، و بیشتر در گروههای ۵ تا ۶ تایی، دیده می شوند و دوتایی، گاهی هم به اتفاق تمام افراد گروه، به شکار می پردازند.

اولین زایمان ماده در ۲ تا ۳ سالگی او صورت می گیرد. دوران بارداری حدود ۶۳ روز طول می کشد. ماده در هر بار به طور متوسط ۷ بچه می زاید. بچه ها بیشتر در اردیبهشت به دنیا می آیند و در لانه ای نگهداری می شوند که معمولاً حفره ای طبیعی است که مدخلی باریک دارد. والدین غالباً شبها به شکار می پردازند و گوشت شکار را برای بچه ها به لانه می آورند.

گرگها به هنگام غروب زوزه می کشند. آواز دسته جمعی گرگها که شامگهان در کوه و دشت طنین می افکند شاید در گوش برخی کسان بازتابی خوف انگیز داشته باشد اما هستند کسانی، از جمله صاحب این قلم، که آن را از زیباترین آوازه های طبیعت می دانند.



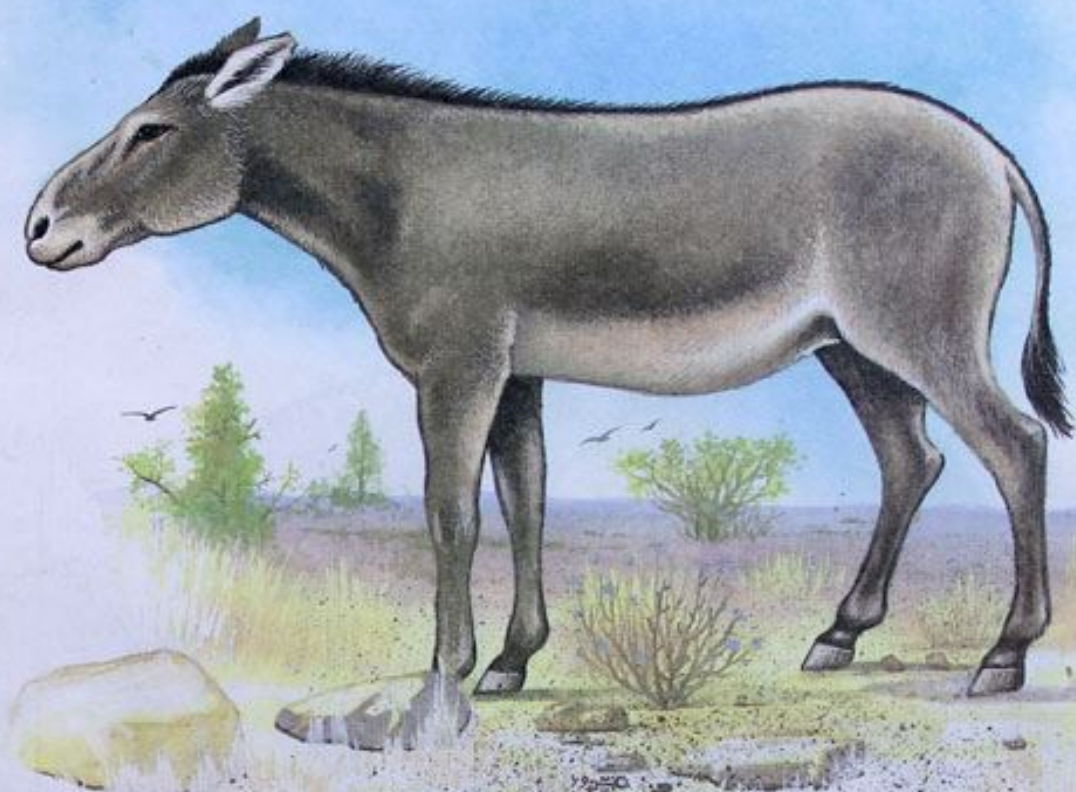
روباه

روباه (*Vulpes vulpes*) در سراسر ایران، از مناطق همسطح دریا گرفته تا مناطقی که بیش از ۳,۵۰۰ متر ارتفاع دارند، زندگی می‌کند. روباه همه‌چیزخوار است؛ هم مواد گیاهی را می‌خورد و هم مواد حیوانی را. غذای او بیشتر پستانداران کوچک و پرندگان و حشراتند، و نیز میوه و آشغال و لاشه حیوانات.

روباه گوشهای نسبتاً درازی دارد و دم دراز و بشمالویی. درازای او حدود ۱۳۰ سانتیمتر است که کمی کمتر از یک سوم این طول را دم تشکیل می‌دهد. قد روباه در ناحیه



شانه حدود ۳۸ سانتیمتر است و وزن او بین ۴/۵ تا ۷ کیلوگرم.
تولیدمثل در اواخر زمستان صورت می‌گیرد. دوران بارداری ماده حدود ۵۲ روز طول
می‌کشد و او در هر بار به‌طور متوسط ۵ بچه می‌زاید. برخلاف بسیاری از حیوانات که پدر
کار به آب و گل رساندن بچه‌ها را یکسره به مادر می‌سپارد، روباه نر یا به پای روباه ماده از
بچه‌ها نگهداری می‌کند و به آنها غذا می‌رساند.

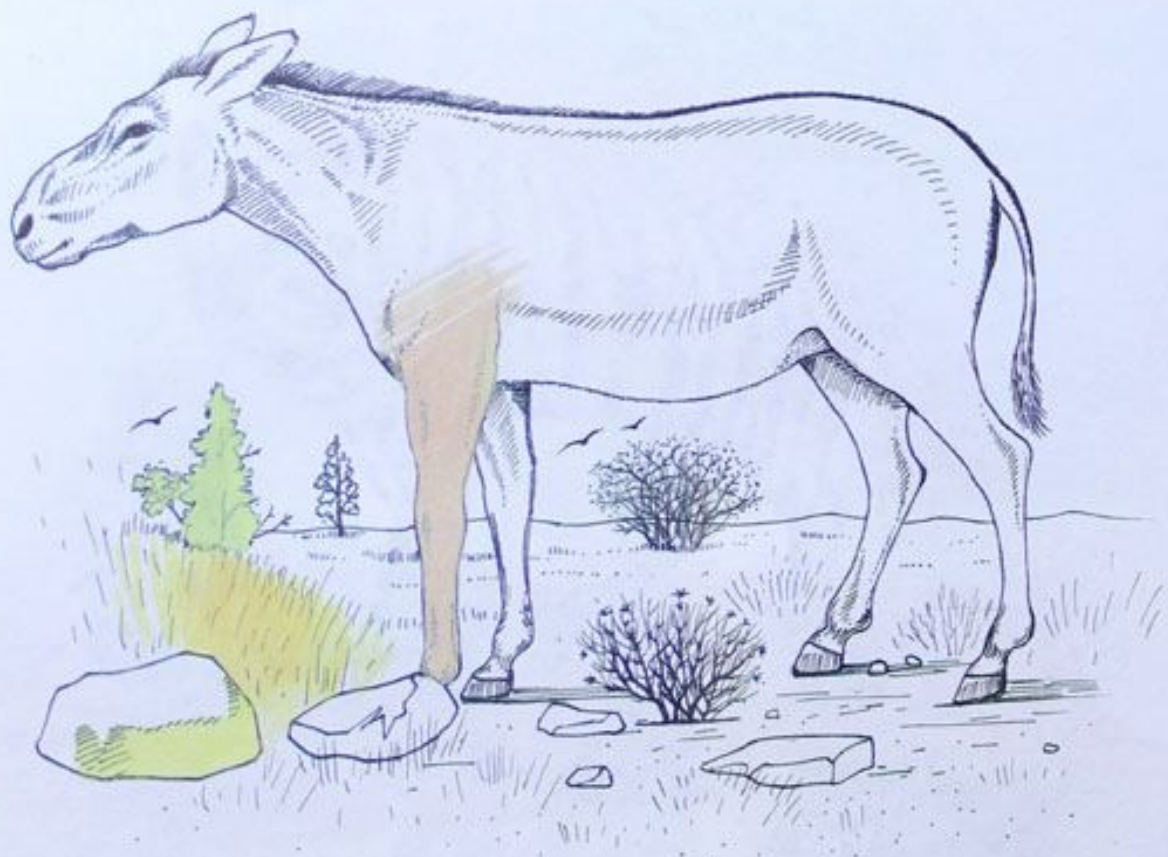


گورخر

گورخر (*Equus hemionus*) در دوران باستان در پهنه وسیعی از آسیا، از سوریه و ایران گرفته تا مغولستان و چین، یافت می‌شد. در ایران در بسیاری از مناطق صحرائی و استپی زندگی می‌کرد ولی اکنون زیستگاههای سابق آن به زمین کشاورزی تبدیل شده است و این حیوان فقط در پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده کویر مرکزی و بخش‌هایی از خراسان و کرمان و فارس و اصفهان و تهران یافت می‌شود.

گورخر از لحاظ شکل و اندازه بین اسب و خر است. تنومند است و کله‌ای بزرگ و بالی کوتاه دارد. پهلوهایش سفیدرنگ است و یک نوار سیاه‌رنگ روی پشتش دیده می‌شود. سر دمش شمالی است.

گورخر در گله‌هایی متشکل از حدود ۳۰ رأس زندگی می‌کند. گله‌ها گاه به هم



می پیوندند و گروه بزرگی تشکیل می دهند بالغ بر چندین صد و گاه تا هزار رأس گورخر. گورخرهای تنها معمولا نرهای جوانی هستند که هنوز همسر اختیار نکرده اند. گورخر از چهارپایان بادپاست. او می تواند با سرعتی بیش از ۶۰ کیلومتر در ساعت بدود. باید توجه داشت که برخی از مردم به حیوانی افریقایی که زبرا (zebra) نام دارد و پوست سراسر بدنش راهراه است گورخر می گویند. با آنکه گورخر ایرانی و زبرا خویشاوند و همجنسند - هر دو به جنس اسب سانان تعلق دارند - برای احتراز از اشتباه، بهتر آن است که این يك را، که افریقایی و راهراه است، زبرا بخوانید و آن يك را، که ایرانی است و پوست ساده ای دارد، گورخر بنامید.

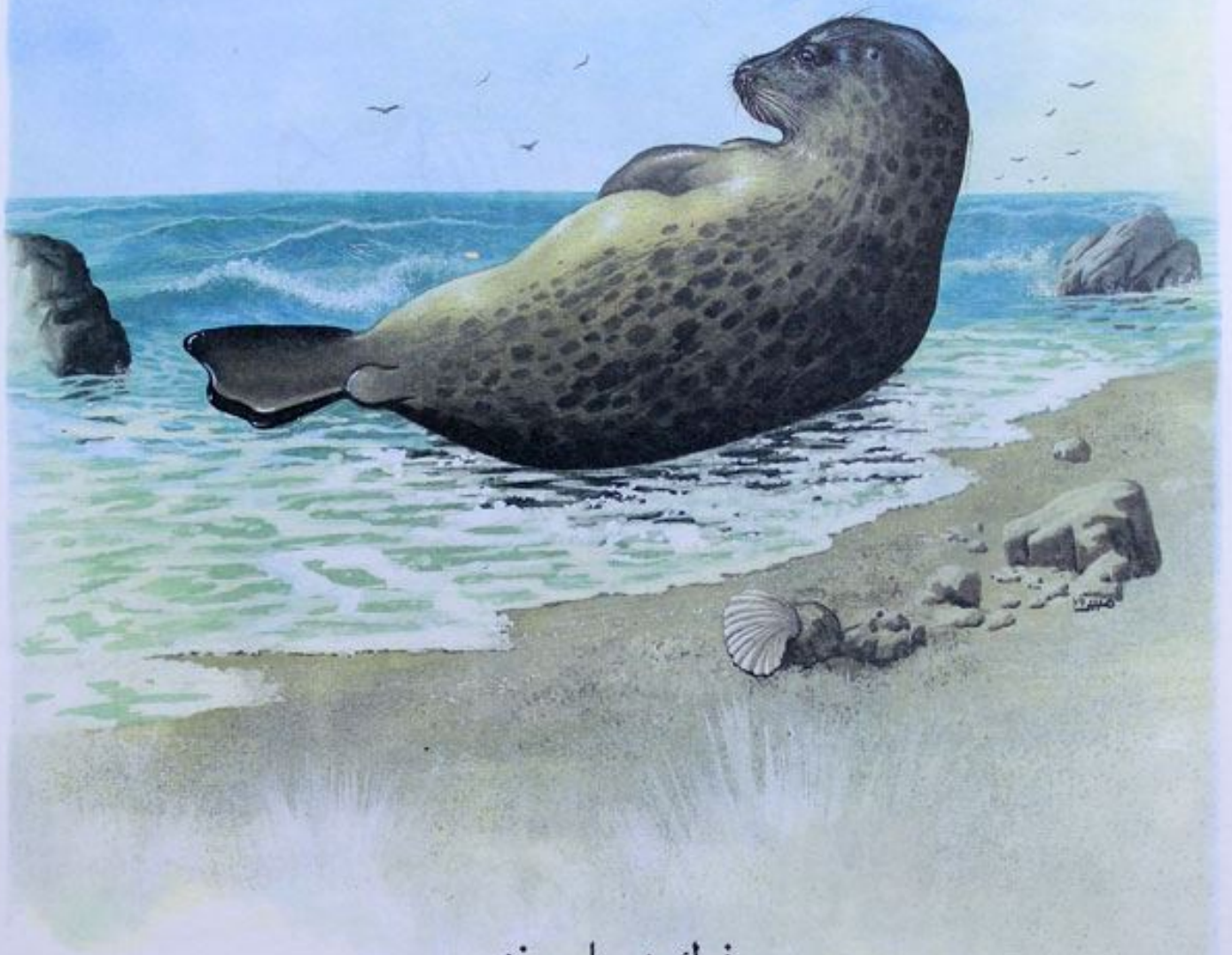


کفتار راهراه

کفتار راهراه (*Hyaena hyaena*) در آسیا و افریقا زندگی می‌کند. در ایران از خراسان تا سواحل خلیج فارس به فراوانی یافت می‌شود. کفتار راهراه حیوانی است نسبتاً درشت اندام که سری بزرگ دارد و قدش در ناحیه شانه حدود ۶۰ سانتیمتر است و وزنش تا ۴۰ کیلوگرم می‌رسد. رنگ پوست او خاکستری مایل به قهوه‌ای با راهراه‌های قهوه‌ای تیره یا سیاه است. شکل راهراه‌های هر کفتار با شکل راهراه‌های کفتار دیگر متفاوت است. پاهای جلویی کفتار بلندتر از پاهای عقبی اوست. در سراسر پشتش موهای بلندی است که وقتی او به خشم می‌آید سیخ می‌شود و قیافه وحشت‌انگیزی به او می‌بخشد. ولی باید دانست که کفتار بسیار ترسو است و کمتر به دفاع



از خود می پردازد.
ماده در هر سال يك بار آبستن می شود. دوران بارداری او حدود سه ماه طول می کشد
و در هر بار بین ۱ تا ۴ بچه می زاید. عمر کفتار حدود ۲۵ سال است.
کفتار از «نظافت گران» طبیعت به شمار می رود. او آرواره ها و دندانهای نیرومند و
محکمی دارد. پس از آنکه گوشتخواران گوشت حیوانی را که شکار کرده اند پاك می خورند،
کفتار قادر است با جویدن و خوردن استخوانها خود را سیر کند.
«نظافت گران» نقش عمده ای در طبیعت به عهده دارند. آنها لاشه حیوانات را پاك
می کنند و آن را به صورتی درمی آورند که برای گیاهان مفید است.



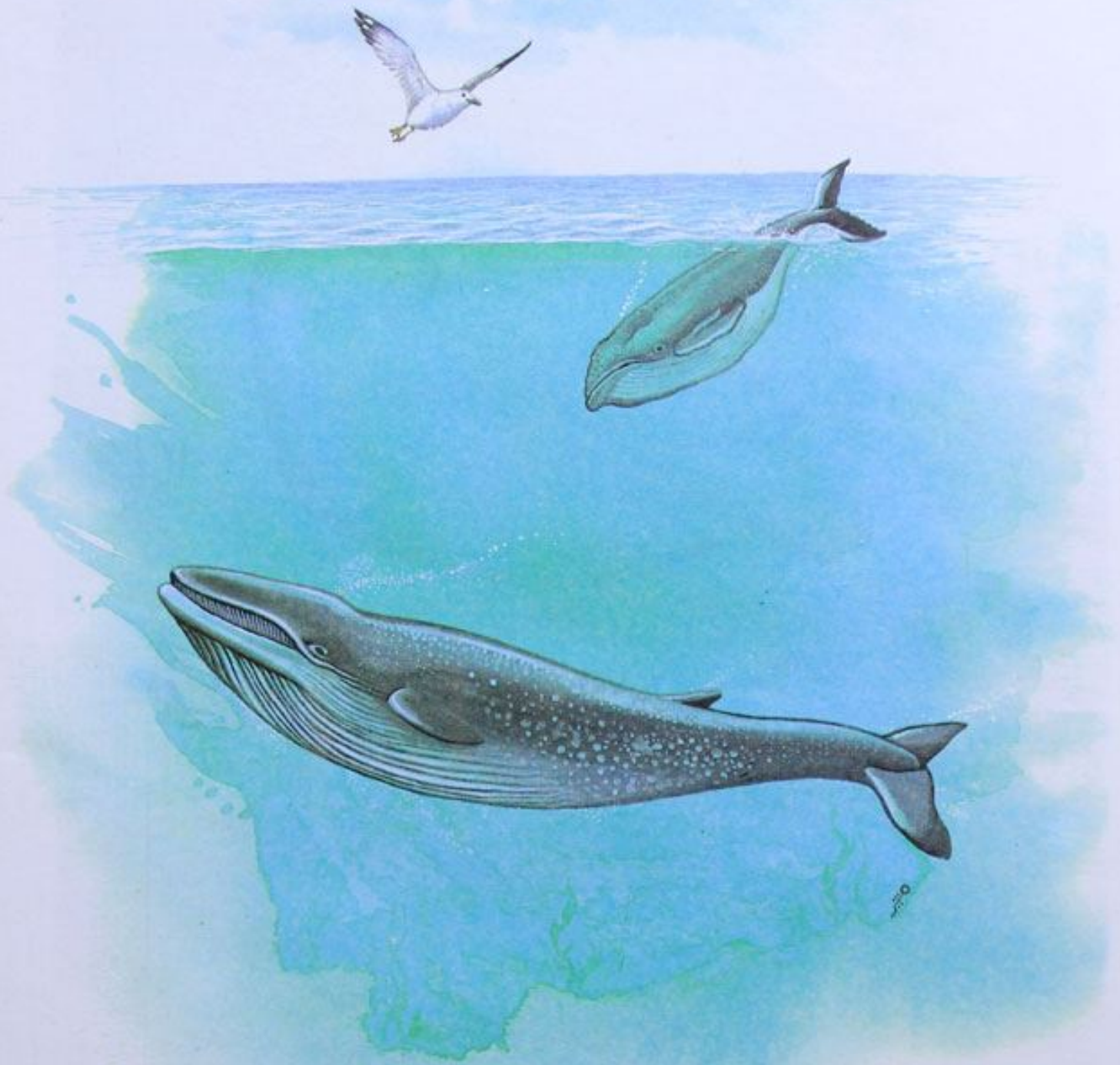
فوك دریای خزر

فوك دریای خزر (*Phoca caspica*)، که فقط در دریای خزر زندگی می کند، به راسته‌ای از آبزیان تعلق دارد که شامل خانواده‌ها و جنس‌ها و گونه‌های بسیاری است. فوك‌ها پستاندارانی آبی‌اند که بدنی به شکل اژدر دارند و سری به شکل سر سگ. بیشتر در دریا زندگی می کنند و می توانند مدت‌ها در زیر آب باقی بمانند ولی برای زادن بچه‌هاشان به خشکی می آیند. فوك دریای خزر مهاجرت سالانه منظمی دارد. تابستان را در جنوب دریای خزر می گذرانند، در پائیز به سوی شمال مهاجرت می کند، و زمستان را در شمال سپری می نماید. رنگ پوست او در سنین مختلف فرق می کند. نوزادان سفیدپوستند. در دوسالگی به



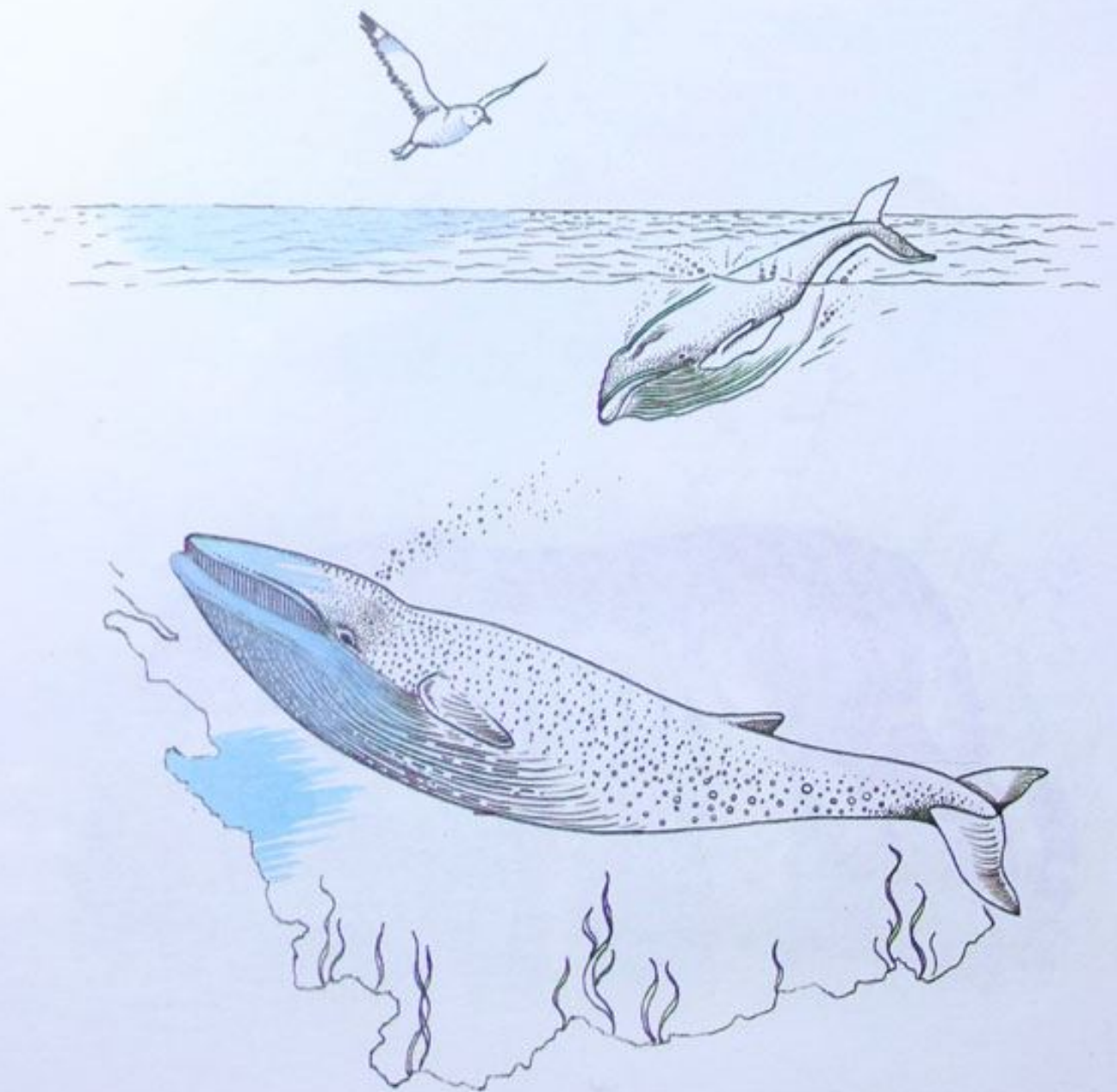
رنگ خاکستری تیره درمی آیند و هر چه بر سنشان افزوده تر می گردد رنگ پوستشان روشن تر می شود و خالهای بیشتری پیدا می کند.

ماده در زمستان به خشکی می آید و روی یخ ۱ یا ۲ بچه به دنیا می آورد. نوزادان به سرعت رشد می کنند و در ظرف دو هفته خز سفید و نرمشان را از دست می دهند. مادر پس از چندی بچههایش را رها می کند و به اتفاق سایر بزرگسالان در ابتدای بهار به سوی جنوب مهاجرت می نماید. در این هنگام بچهها می توانند شنا کنند. آنها نیز گلهای تشکیل می دهند و گلهوار به همان راهی می روند که پدر و مادرشان رفته اند.



نهنگ آبی

نهنگ آبی (*Sibbaldus musculus*) بزرگترین پستاندار جهان است که درازای آن گاه به ۳۰ متر می‌رسد و وزن آن به ۱۱۲,۰۰۰ کیلوگرم. رنگ این نهنگ، جز در زیر باله‌های پیشین، آبی تیره است و به همین دلیل او را نهنگ آبی می‌نامند. نهنگ آبی در سراسر اقیانوسهای جهان، از قطب شمال گرفته تا قطب جنوب،



زندگی می کند ولی در دریاهاى مناطق حاره کمتر یافت می شود.
نهنگ آبی در آبهای گرمتر زیستگاه خود تولیدمثل می کند. ماده در هر دو سال يك
بار ۱ یا ۲ بچه به دنیا می آورد.
نهنگ آبی به تنهایی یا دوتایی سفر می کند و به ندرت گله تشکیل می دهد.



ببر

ببر خزر (*Panthera tigris virgata*) زمانی در سواحل بحر خزر، در افغانستان، و در بخش‌هایی از اتحاد شوروی زندگی می‌کرد ولی اکنون بیش از ۳۰ سال است که اثری از ببر در ایران دیده نشده است و به احتمال قریب به یقین نسل این پستاندار زیبا و شکوهمند در ایران، و نیز در افغانستان و اتحاد شوروی، از بین رفته است.

زیستگاه ببر خزر در ایران جنگلها و تالابهای مجاور دریای خزر بوده است. در دهه‌های اخیر تقریباً تمام زمین‌های مجاور دریای مزبور به مزارع کشاورزی تبدیل شده و چنین می‌نماید که پس از نابود شدن جنگل‌های مجاور دریا، ببر به نواحی میانه و مرتفع جنگل‌ها رفته است که زیستگاه مناسبی برای او نیستند و او نتوانسته است در آن نواحی دوام بیاورد.

دوستداران طبیعت این امید را در دل می‌پرورند که روزی معلوم گردد هنوز



بازماندگانی از نسل ببر خزر در زیستگاههای سابق خود به زندگی ادامه می دهند. ما نیز مجموعه حاضر را با تصویری و ذکری از ببر خزر به پایان می بریم با این امید که او روزی به زیستگاههای سابقش بازگردد؛ و نیز با این امید که نسل هیچ حیوان وحشی دیگری نابود نشود. به یاد داشته باشیم که در همین یک صدساله اخیر نسل شیر هم که یکی دیگر از مهمترین و زیباترین و ارزشمندترین پستانداران ایران بود در کشور ما نابود شده است و اگر توجهی که در چند دهه اخیر مبذول شد نمی بود، و حفاظتی که از محیط زیست به عمل آمد نمی بود، چه بسا حیوانات وحشی با ارزش دیگری هم از میان رفته بودند. حیات وحش هر سرزمین بخش عمده ای از زیبایی و جذابیت و غنای آن سرزمین است، زیبایی و جذابیت و غنایی که اگر از دست برود آسان باز نمی گردد - و شاید هیچ گاه بازنگردد. این حقیقت را همواره باید پیش چشم داشت.

دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر می کند:

سی گونه از
پرنندگان ایران



کتابخانه کودکان

۱۱۶

۰۸

در کشور ما نزدیک به ۱۵۰ گونه پستاندار زندگی می کند،
کمی کمتر از ۵۰۰ گونه پرنده، و صدها گونه ماهی.
در این کتاب از میان نزدیک به ۱۵۰ گونه پستاندار ایران
۲۰ گونه را انتخاب و معرفی کرده ایم. شما در این کتاب با
پلنگ و گوزن زرد و یوزپلنگ و آهو و خرس قهوه ای و گربه
وحشی و گرگ و نهنگ و دوازده پستاندار دیگر ایران آشنا
می شوید، و اگر دوست داشته باشید می توانید تمام آنها را
رنگ کنید.